

به نام خدا

عنوان گزارش: اتحادیه اروپا خود را از گاز روسیه رها کرده اما در وابستگی جدیدی گرفتار شده است.

اتحادیه اروپا وابستگی کمتری به گاز روسیه دارد، اما در عین حال به طور فزاینده‌ای برای امنیت انرژی خود به گاز طبیعی مایع (LNG) متکی است و ایالات متحده در حال حاضر بزرگترین تأمین‌کننده آن است. این تغییر چگونه رخ داده است و آیا اروپا واقعاً وابستگی سابق خود را از دست داده یا صرفاً آن را با وابستگی جدیدی جایگزین کرده است؟

اتحادیه اروپا از نظر انرژی خودکفا نیست و تا حد زیادی به مواد اولیه وارداتی وابسته است. طبق گزارش یورواستات، تولید داخلی تنها 43 درصد از نیازهای انرژی آن را پوشش می‌دهد در حالی که 57 درصد باقی مانده وارداتی است. پس از جنگ روسیه و اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، اتحادیه اروپا به سرعت شروع به محدود کردن واردات گاز از روسیه کرد. طرح RePowerEU با هدف کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی روسیه و تسریع گذار به انرژی پاک تصویب شد. همزمان، جستجوی تأمین‌کنندگان جایگزین آغاز شد. مهمترین تغییرات بر سه حوزه متمرکز بود:

1. اهمیت فزاینده گاز طبیعی مایع (LNG)؛ در سال 2021 گاز تحویلی از طریق خطوط لوله، ۷۵ درصد از واردات گاز از کشورهای ثالث به اروپا را تشکیل می‌داد اما اکنون به حدود نصف کاهش یافته است. طبق اعلام آژانس همکاری نهادهای تنظیم‌کننده انرژی اتحادیه اروپا (ACER)، اتحادیه اروپا به بزرگترین واردکننده گاز طبیعی مایع در جهان تبدیل شده است.

2. پایان سلطه گاز روسیه؛ در ماه ژانویه، اتحادیه اروپا، آیین‌نامه‌ای را تصویب کرد که براساس آن واردات گاز روسیه ممنوع شد. البته ممنوعیت تحویل گاز ال ان جی تحت قراردادهای کوتاه‌مدت، از قبل در حال اجرا است و در ماه آوریل نیز برای واردات گاز از طریق خط لوله ممنوعیت‌هایی از ماه ژوئن نیز اعمال گردید. برای قراردادهای بلندمدت، ممنوعیت واردات گاز ال ان جی روسیه از اول ژانویه ۲۰۲۷ و برای گاز دریافتی از طریق خط لوله نیز سررسید ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۷ اعمال خواهد شد.

3. طلوع عصر گاز ال ان جی آمریکا؛ با این حال، کاهش واردات از روسیه با افزایش سریع خرید گاز ال ان جی از ایالات متحده همراه بود. واردات گاز طبیعی مایع آمریکا از ۱۴ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۹ به ۸۴ میلیارد متر مکعب

در سال گذشته افزایش یافت. در سال ۲۰۲۵، ایالات متحده تقریباً ۵۸ درصد از کل گاز ال ان جی وارداتی اتحادیه اروپا را تأمین کرد.

پس از راه اندازی خط لوله نورد استریم ۱ که در امتداد کف دریای بالتیک امتداد داشت و گاز روسیه را به آلمان و سایر کشورهای اتحادیه اروپا تحویل می داد، پروژه نورد استریم ۲ در سال ۲۰۱۱ آغاز شد. قرار بود این خط لوله جدید، ظرفیت انتقال سالانه گاز را به دو برابر افزایش دهد. ایالات متحده، کشورهای بالتیک و لهستان با این پروژه مخالفت کردند و استدلال کردند که این امر وابستگی اروپا به منابع انرژی روسیه را افزایش می دهد و مزیت ژئوپلیتیکی بیشتری را برای مسکو فراهم می کند.

در سال ۲۰۱۴، روسیه رسماً کریمه را ضمیمه خاک خود کرد که جامعه بین المللی آن را اشغال غیرقانونی خاک اوکراین می داند. سه سال بعد، در سال ۲۰۱۷، کنگره آمریکا، قانونی را تصویب کرد که براساس آن تحریم هایی را علیه روسیه اعمال شد و دونالد ترامپ رئیس جمهور وقت آمریکا آن را امضا کرد. اتحادیه اروپا و به ویژه آلمان با این مقررات مخالفت کردند زیرا احتمال اعمال تحریم بر شرکت های اروپایی شرکت کننده در ساخت خط لوله را پیش بینی می کردند.

نورد استریم ۲؛ خط لوله گازی که غرب را از هم جدا کرد

در ژوئن ۲۰۱۷، زیگمار گابریل وزیر امور خارجه آلمان و کریستین کرن صدراعظم اتریش، در نامه ای مشترک اعلام نمودند که اقدام متحد و قاطع اتحادیه اروپا و ایالات متحده برای حل مناقشه اوکراین به نفع مشترک آنهاست اما تهدیدها علیه شرکت های اروپایی که در توسعه سیستم تأمین انرژی اروپا مشارکت دارند، غیرقابل قبول است.

هر دو سیاستمدار ضمن آنکه انتقادات خود را پنهان نکردند، تاکید نمودند پیش نویس این قانون آمریکا با صراحت بی نظیری نشان می دهد که موضوع چیست. آنها هدف از تصویب این قانون را فروش گاز طبیعی مایع آمریکا و جابجایی با منابع گاز روسیه از بازار اروپا به منظور حفظ مشاغل در صنعت نفت و گاز آمریکا عنوان کردند.

ساخت خط لوله گاز نورد استریم ۲ در سپتامبر ۲۰۲۱ تکمیل شد. اولاف شولتز صدراعظم آلمان روند صدور گواهی نامه را در ۲۲ فوریه ۲۰۲۲ به حالت تعلیق درآورد. در سپتامبر ۲۰۲۲، خطوط لوله گاز نورد استریم ۱ و نورد استریم ۲ در زیر دریای بالتیک منفجر شدند.

استدلال های طرفدار خروج اتحادیه اروپا از گاز روسیه

پس از شروع جنگ در اوکراین، اتحادیه اروپا تصمیم گرفت خود را از وابستگی به گاز روسیه رها کند. سه استدلال اصلی بر این بحث حاکم بود.

استدلال اول؛ اتحادیه اروپا روسیه را یک تأمین کننده غیرقابل اعتماد می دانست که از گاز به عنوان ابزاری برای فشار ژئوپلیتیکی و باج گیری استفاده می کند، امنیت عرضه را تهدید کرده و بازار انرژی را بی ثبات می کند و به اقتصاد اروپا آسیب می رساند. **استدلال دوم؛ لزوم تنوع بخشی به منابع تأمین گاز بود.** با این حال، گزارش آژانس همکاری نهادهای تنظیم کننده انرژی اتحادیه اروپا نشان می دهد که در سال ۲۰۱۶، اتحادیه اروپا به منابع تأمین گاز از منابع متعدد متکی بود. در آن زمان، ۲۷ درصد از تقاضا توسط تولید داخلی، ۳۴ درصد از طریق خطوط لوله از روسیه، ۲۲ درصد از نروژ، ۷ درصد از الجزایر و ۱ درصد از لیبی تأمین می شد. بقیه منابع نیز از طریق واردات ال ان جی بود: ۵ درصد از قطر و ۱.۵ درصد از الجزایر و نیجریه. در سال ۲۰۲۶، نروژ بزرگترین تأمین کننده گاز منتقل شده از طریق خطوط لوله به اتحادیه اروپا خواهد بود، در حالی که ایالات متحده بزرگترین تأمین کننده گاز از طریق ال ان جی می باشد.

استدلال سوم، محدودیت های زیرساختی بود. اتحادیه اروپا خاطرنشان کرد، وابستگی به شبکه خط لوله در صورت تصمیم روسیه برای قطع عرضه گاز، خطر جدی را ایجاد می کند. از سوی دیگر، تجارت ال ان جی انعطاف پذیرتر در نظر گرفته شد زیرا به تحویل تانکرها متکی است و در صورت بروز مشکل با یکی از آنها، امکان یافتن سریع تر تأمین کنندگان جایگزین را فراهم می کند. البته در بحث زیرساخت ها، تأکید نشد که پس از سال ۲۰۲۲، به دلیل افزایش شدید خرید ال ان جی، اتحادیه اروپا مجبور به توسعه گسترده شبکه پایانه ها برای دریافت گاز طبیعی مایع شد. اتحادیه اروپا همچنین با جزئیات ژئوپلیتیک آشنا شد. ایالات متحده الزامی را در توافقنامه تجارت آزاد گنجانده است که براساس آن، میزان گاز ال ان جی آمریکایی را که اتحادیه اروپا باید در یک دوره سه ساله خریداری کند، مشخص می کرد.

در عمل، مشکلاتی نیز در مورد انعطاف پذیری تحویل تانکرها ایجاد شد. پس از حمله آمریکا و اسرائیل به ایران در اواخر فوریه امسال و بسته شدن تنگه هرمز به عنوان یکی از مهمترین مسیرهای حمل و نقل دریایی گاز ال ان جی، اختلالاتی در عرضه رخ داد. در نتیجه قیمت مرجع گاز در کانون تجاری گاز هلند (TTF) در آن زمان ۵۰ درصد افزایش یافت.

قیمت گاز اتحادیه اروپا وابسته به بازار جهانی

گاز طبیعی مایع، امنیت انرژی اتحادیه اروپا را افزایش داده است، اما خطرات را از بین نبرده است. برعکس، اتحادیه اروپا بیشتر به وضعیت بازار جهانی گاز و قیمت های جهانی وابسته شده است. قبل از سال ۲۰۲۲، قیمت مرجع گاز در اروپا،

که در مرکز TTF هلند تعیین می‌شد، تا حد زیادی وابسته به عرضه بلندمدت گاز روسیه بود. امروزه، زمانی که گاز ال ان جی، بخش قابل توجهی از عرضه اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهد، مکانیسم قیمت‌گذاری متفاوت است. اگر چه هنوز هم توسط مکانیسم عرضه و تقاضا تعیین می‌شود اما عوامل دیگر نیز نقش فزاینده‌ای ایفا می‌کنند. وقتی تأسیسات ذخیره‌سازی گاز اروپا پر هستند، بازار آرام می‌ماند و قیمت‌ها پایین‌تر هستند. در همین حال، تنش‌های ژئوپلیتیکی جهانی منجر به افزایش قیمت‌ها می‌شود. از آنجا که اروپا برای تامین ال ان جی با آسیا رقابت می‌کند، باید قیمت‌های بالاتری نسبت به رقبا خود ارائه دهد که به معنای قیمت‌های بالاتر در بازار TTF است.

در همین حال، توافق‌نامه‌های دوجانبه نیز در بازار گاز ال ان جی در حال انعقاد است. طبق داده‌های آژانس همکاری نهادهای تنظیم کننده انرژی اتحادیه اروپا، از دو سال پیش، تقریباً ۷۰ درصد از واردات گاز ال ان جی اروپا توسط قراردادهای بلندمدت تضمین شده است. با این حال، اتحادیه اروپا تقریباً ۳۰ درصد را از بازار لحظه‌ای خریداری کرده است، جایی که قیمت‌ها می‌توانند در معرض نوسانات قابل توجهی باشند.

طبق برآوردهای کمیسیون اروپا، در ۱۱۱ روز پس از شروع جنگ با ایران، اتحادیه اروپا ۵۰ میلیارد یورو اضافه تر برای واردات سوخت های فسیلی هزینه کرده است تا کاهش عرضه نفت و گاز ناشی از بسته شدن تنگه هرمز که از نظر راهبردی مهم است را جبران کند.

چه کسی از وابستگی اتحادیه اروپا به گاز ال ان جی سود می‌برد و چه کسی ضرر می‌کند؟

از جمله بزرگترین ذینفعان، صادرکنندگان گاز طبیعی مایع هستند. افزایش تقاضا و قیمت‌های بالاتر به افزایش درآمد منجر می‌شود. قطر از کمترین هزینه‌های تولید بهره‌مند است و این امر به آن اجازه می‌دهد حتی با قیمت‌های پایین‌تر بازار، به سود بالایی دست یابد. از سوی دیگر، ایالات متحده از مزیت حجم فروش گسترده برخوردار است. بزرگترین صادرکنندگان ال ان جی آمریکایی شامل Cheniere Energy، Venture Global، Freeport LNG و Sempra هستند.

طبق داده‌های یورواستات، در سه ماهه اول سال ۲۰۲۶، ایالات متحده با ۵۷.۴ درصد، بیشترین سهم از واردات ال ان جی اتحادیه اروپا را در اختیار داشت. روسیه با ۱۷.۳ درصد سهم، در رتبه دوم، قطر با ۶.۶ درصد سهم، در رتبه سوم، نیجریه با ۶.۲ درصد سهم، در رتبه چهارم و نروژ با ۴.۴ درصد سهم، در رتبه پنجم در صادرات گاز ال ان جی به بازار اروپا قرار داشتند.

تجار و شرکت‌های انرژی از این موضوع راضی هستند چرا که افزایش تقاضا برای ال ان جی به معنای تجارت بیشتر برای آنهاست. داده‌های موجود نشان می‌دهد که شرکت **Cheniere Energy** آمریکا، به عنوان بزرگترین صادرکننده ال ان جی این کشور در صدر این مبادلات قرار دارد.

شرکت **Cheniere Energy**، گاز را به شرکت‌های اروپایی مانند شل، توتال انرژی، اکوینور و RWE عرضه می‌کند. از جمله بزرگترین معامله‌گران LNG در جهان می‌توان به شل، توتال انرژی، بی‌پی، ترافیگورا، ویتول، گانور و مرکوریا اشاره کرد.

در بازار جهانی ال ان جی، شرکت‌های تجاری می‌توانند از طریق مکانیسم فروش آربیتراژ¹ (Arbitrage)، به سود بالایی دست یابند. تحلیلگران خاطرنشان می‌کنند که تجارت ال ان جی در حال حاضر یکی از سودآورترین بخش‌های انرژی جهانی است.

شرکت‌های درگیر در حمل و نقل گاز، مایع‌سازی و گازسازی مجدد (Regasification)، ذخیره‌سازی و توزیع گاز نیز از این تجارت سود می‌برند. در مقایسه با گاز منتقل شده از طریق خطوط لوله، مسیر گاز ال ان جی از محل استخراج تا مصرف‌کننده نهایی، به طور قابل توجهی پیچیده‌تر است و هر مرحله از این فرآیند، منبع درآمد اضافی است.

بزرگترین بازرگانان، صنایع انرژی بر اروپا هستند که شامل تولیدکنندگان فولاد، آلومینیوم، سیمان، شیشه، کود و همچنین صنایع شیمیایی و کاغذ می‌شوند. پیش از تغییر در استراتژی انرژی، این شرکت‌ها برای رقابت‌پذیری خود به گاز ارزان متکی بودند. امروز، وقتی آنها مجبورند هزینه بسیار بیشتری برای انرژی نسبت به رقبای خود از ایالات متحده یا چین بپردازند، موقعیت رقابتی آنها به وضوح در حال تضعیف شدن است. خانوارها نیز برای ثبات تأمین انرژی خود هزینه بیشتری می‌پردازند که آن را به صورت قبوض بالاتر، برق گران‌تر و افزایش قیمت بسیاری از کالاها و خدمات تجربه می‌کنند.

آیا اتحادیه اروپا یک وابستگی به گاز را با وابستگی دیگری معامله کرده است؟

در ماه ژانویه معاون اجرایی کمیسیون اروپا برای برنامه گذار پاک، عادلانه و رقابتی، هشدار داد که اتحادیه اروپا به طور فزاینده‌ای به واردات ال ان جی آمریکا وابسته می‌شود. او تأکید کرد که اتحادیه اروپا باید از وضعیتی که در آن یک

1. مکانیسم آربیتراژ به معنی بهره‌برداری از تفاوت قیمت بین مناطق مختلف جهان می‌باشد. بر این اساس، خرید گاز از جایی که ارزان‌تر است و فروش آن به جایی که قیمت‌ها بالاتر است، سود بالایی برای شرکت‌های انرژی ایجاد می‌کند.

وابستگی با وابستگی دیگری جایگزین می‌شود، اجتناب کند. او خواستار تنوع بیشتر منابع انرژی و استفاده بهتر از منابع محلی، به ویژه منابع انرژی تجدیدپذیر و هیدروژن تجدیدپذیر شد.

همچنین کمیسر انرژی و مسکن اروپا، نگرانی‌های مشابهی را ابراز کرد. او خاطرنشان ساخت اتحادیه اروپا باید با تسریع توسعه منابع انرژی تجدیدپذیر و افزایش تولید انرژی داخلی، آسیب‌پذیری خود را در برابر تهدیدات انرژی کاهش دهد. همانطور که قبلاً ذکر شد، تقریباً ۵۸ درصد از واردات ال ان جی اتحادیه اروپا، در حال حاضر از ایالات متحده تأمین می‌شود. طبق برآوردها، اگر اتحادیه اروپا اقدام مناسبی انجام ندهد، سهم گاز آمریکا می‌تواند تا سال ۲۰۳۰ به ۸۰ درصد افزایش یابد.

<https://www.pb.pl/ue-uwolnila-sie-od-rosyjskiego-gazu-ale-wpadla-w-nowa-zaleznosc-1264462>